

دکتر رابرت چیشولم، عاموس: شیر غرش کرده است، کیست که نترسد؟ جلسه ۱ الف: یک پیامبر مخاطبان خود را به دام می اندازد (عاموس ۱: ۱-۲: ۱۶)

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد کتاب عاموس است. عاموس، شیر غرش کرده است، چه کسی خواهد ترسید؟ جلسه ۱ الف)، پیامبر مخاطبان خود را به دام می اندازد (عاموس ۱: ۱-۲: ۱۶)

به مطالعه‌ی ما درباره‌ی کتاب عاموس خوش آمدید. نام او در زبان عبری آموس تلفظ می‌شود، اما ما قصد داریم او را عاموس صدا کنیم. ما آن را انگلیسی‌زبان خواهیم کرد.

عاموس یکی از پیامبران کوچک یا چیزی است که ما گاهی اوقات آن را دوازده نفر می‌نامیم، زیرا ۱۲ نفر از آنها وجود دارند و عاموس سومین آنهاست. شما هوشع، یوئیل و عاموس را دارید، بنابراین پیدا کردن آن در کتاب مقدس شما نباید خیلی سخت باشد. ما قصد داریم مقدمه‌ای کوتاه بر کتاب عاموس بنویسیم و سپس به طور مفصل به متن آیه به آیه و بخش به بخش خواهیم پرداخت.

ما مستقیماً به سراغ ادامه مطلب می‌رویم. در طول مسیر توقف خواهیم کرد و برخی از اصول مهم را که از متنی که مطالعه می‌کنیم، استخراج می‌شوند، خلاصه خواهیم کرد. اما بیایید مقدمه کتاب، فصل ۱، آیه ۱ را می‌خوانم NIV 2011 بخوانیم. ما می‌خوانیم، من از نسخه

سخنان عاموس، یکی از چوپانان تقوع، رؤیایی که او دو سال قبل از زلزله در مورد اسرائیل دید، زمانی که عزیا پادشاه یهودا و یربعام پسر یهوآش پادشاه اسرائیل بودند. ما در اینجا توقف خواهیم کرد و در مورد عنوان صحبت خواهیم کرد. بنابراین، عاموس در زمان عزیا پادشاه یهودا و یربعام نبوت کرد و این یربعام دوم است.

شاید به یاد داشته باشید که پادشاه یربعام حدود سال ۹۳۰ میلادی اولین پادشاه پادشاهی شمالی، اسرائیل شد، اما این یربعام اول است. ما خیلی بعد از آن زمان هستیم. این پادشاه نام یربعام را دارد و بنابراین مورخان از او به عنوان یربعام دوم یاد می‌کنند و او بر پادشاهی شمالی، اسرائیل، حکومت می‌کرد.

به یاد دارید که وقتی کشور در سال ۹۳۰ میلادی دوباره تجزیه شد، اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب قرار داشتند. خب، عزیا مدت طولانی با پدرش آمازیا به طور مشترک حکومت کرد، اما او از سال ۷۶۷ تا پیش از میلاد به طور مستقل بر یهودا حکومت کرد. یربعام دوم نیز مدتی به طور مشترک حکومت ۷۴۰ کرد.

او از سال ۷۸۲ تا ۷۵۳ حاکم مستقلی بر اسرائیل بود. بنابراین، ما به دنبال دوره‌ای هستیم که هر دوی آنها حاکمان مستقلی بودند، و آن دوره ۷۶۷ تا ۷۵۳ خواهد بود. و بنابراین، ما معتقدیم که عاموس در آن دوره خدمت خود را انجام داده است.

حالا این عنوان همچنین به ما می‌گوید که این عاموس بود که دو سال قبل از زلزله در پادشاهی شمالی پیشگویی کرد. این یک زلزله به ویژه شناخته شده بود. شواهد باستان‌شناسی برای آن در حاصور وجود دارد، بنابراین فکر می‌کنم می‌توانیم تخمینی حدود ۷۶۰ برای آن زلزله ارائه دهیم.

و بنابراین، عاموس چند سال قبل از آن پیشگویی کرد و این اطلاعات مهمی است، همانطور که توضیح خواهیم داد. بنابراین، در سال ۷۶۰ قبل از میلاد، آشوریان در این برهه عامل اصلی نبودند. به یاد دارید که در دهه ۸۰۰، در قرن نهم، آشوریان امپراتوری خود را تا دریای مدیترانه تأسیس کردند. آنها اسرائیل و یهودا را فتح کردند و به حاکمان آشوری خراج پرداختند.

اما آشور در این دوران شکوفا نیست. در واقع، این دوره زمانی است که یونس از نینوا بازديد کرد. همه اینها در سال ۷۴۵ قبل از میلاد تغییر خواهد کرد.

تیگلات-پیلسر، سومین پادشاه آشور، قرار است قدرت آشور را در غرب، تا مدیترانه، دوباره برقرار کند. آشوریان به یک عامل اصلی تبدیل خواهند شد و عاموس واقعاً این را در پیشگویی خود پیش‌بینی می‌کند. او می‌آید و می‌گوید، دردسر در راه است، داوری در راه است، زیرا یهودا و اسرائیل در این دوره زمانی در واقع در حال شکوفایی هستند. اوضاع برای آنها نسبتاً خوب پیش می‌رود.

بنابراین، این دوره زمانی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، اما باید در مورد این واقعیت نیز صحبت کنیم که این عنوان از جهات مختلفی اهمیت ویژه‌ای دارد. این فقط اطلاعاتی در مورد زمان خدمت پیامبر نیست. این به ما می‌گوید که عاموس پیامبر حرفه‌ای نیست.

او یک گله‌دار است، و ما در فصل ۷ خواهیم فهمید که او همچنین تاکستان‌دار بوده است. گاهی اوقات این گله‌داران کارهای کشاورزی دیگری نیز انجام می‌دادند، و بنابراین او یک گله‌دار است، نه یک پیامبر حرفه‌ای. در واقع، او در فصل ۷ خواهد گفت که او پیامبر یا پسر پیامبر نیست.

بنابراین، او یک فرد عادی است و خداوند او را فرا می‌خواند، و او نیز اهل تقوا است. تقوا در جنوب اورشلیم است و تنها چند مایل با بیت‌لحم فاصله دارد، بنابراین او اهل یهودا است و از مرز عبور می‌کند و به پادشاهی شمالی می‌آید و در مورد داوری بر پادشاهی شمالی خدمت و نبوت می‌کند. این یک پیام عمومی نخواهد بود.

تاج و تخت از او ناراحت خواهد شد، و در فصل ۷، درباره برخوردی خواهیم خواند که او با کاهن بتل دارد، و کاهن تقریباً می‌گوید، باید گم شوی. باید بروی. بنابراین، فکر می‌کنم با گفتن این موضوع به ما، که او یک چوپان است و اهل تکوا، متن به این نکته اشاره می‌کند که این مرد باید توسط خداوند فراخوانده شود، زیرا چه کسی با عقل سلیم چنین کاری را به تنهایی انجام می‌دهد؟ بنابراین، این به نوعی بر اقتدار و دعوت او به عنوان یک پیامبر گواهی می‌دهد.

زلزله مهم است زیرا در این فرهنگ، در جهان خاور نزدیک در این زمان، زلزله به عنوان یک اتفاق طبیعی صرف تلقی نمی‌شد. به هیچ وجه، زیرا آنها معتقدند که خدایان به نوعی در جهان دست داشته‌اند و اتفاقاتی که می‌افتد از قلمرو الهی می‌آید. قلمرو الهی و قلمرو انسانی به هم پیوسته‌اند، بنابراین آنها آن را صرفاً یک اتفاق طبیعی نمی‌بینند. این یک نشانه داوری خواهد بود.

و همانطور که عاموس را می‌خوانیم، خواهیم دید، به خصوص وقتی به فصل‌های ۸ و ۹ می‌رسیم، که عاموس می‌گوید خداوند قرار است بیاید و زمین را بلرزاند. و اغلب در عهد عتیق، وقتی خداوند در چیزی که ما آن را تئوفانی می‌نامیم می‌آید، وقتی ظهور الهی خداوند وجود دارد، وقتی او برای داوری می‌آید، برای انجام نبرد، یک مضمون تکان‌دهنده زمین با آن همراه است. و بنابراین، عاموس می‌گوید خداوند قرار است زمین را بلرزاند.

خب، شما همین الان موعظه عاموس را شنیدید، او می‌گوید که خداوند زمین را خواهد لرزاند، و دو سال بعد، شاید پس از اینکه او به خانه برگشت، خداوند زمین را خواهد لرزاند. یک زلزله بزرگ رخ می‌دهد، آنقدر بزرگ که هنوز هم از آن به عنوان زلزله یاد می‌کنند. و این پیام عاموس را تأیید می‌کند.

او اعلام کرد که خداوند این کار را خواهد کرد، و خداوند این کار را کرد. و همینطور است، وقتی آن زلزله می‌آید، نوعی نشانه است که خداوند در حال حرکت است و آماده است تا مردم را داوری کند. این موضوع در آیه ۲ تقویت می‌شود. بنابراین، بیایید آیه ۲ را بخوانیم. او گفت، خداوند از صهیون غرش می‌کند.

و این فعلی است که اغلب برای شیرها استفاده می‌شود. در واقع، در فصل ۳، عاموس قصد دارد از خداوند به عنوان شیری غران یاد کند. بنابراین، خداوند از صهیون غرش می‌کند.

صهیون. نام دیگری است. نامی شاعرانه برای اورشلیم.

بنابراین، عاموس روشن می‌کند که خداوند در اورشلیم است، نه در پادشاهی شمالی، در یکی از معابد آنها. خداوند از صهیون غرش می‌کند و از اورشلیم رعد و برق می‌زند. او در واقع از اورشلیم به موازات صهیون استفاده می‌کند.

و خداوند صدای خود را می‌دهد، که به معنای واقعی کلمه، اصطلاحی برای رعد و برق است. بنابراین، او غرش می‌کند، رعد و برق می‌کند، او به عنوان یک جنگجو می‌آید تا نبرد کند و داوری را به ارمغان بیاورد. و به نتیجه توجه کنید.

مراتع چوپانان خشک می‌شود و قله کارمل پژمرده می‌گردد. و بنابراین، همانطور که خداوند به عنوان یک جنگجو می‌آید، مراتع، مناطق جنگلی مانند کارمل، خشک خواهند شد. خشکسالی رخ خواهد داد.

این تصویرسازی مهم است زیرا، همانطور که پیامبران را می‌خوانیم، باید بدانیم که آنها از آنچه موسی در شریعت گفته است، بسیار آگاه بوده‌اند. بسیاری از مردم امروزه پیامبران را به عنوان نوآرانی می‌دانند که از راه می‌رسند و آنها خلاف شریعت هستند. آنها شریعت را پس از پیامبران قرار می‌دهند.

خب، این اشتباه است. شما این را در محیط دانشگاه خیلی خیلی زیاد خواهید شنید، اما اینطور نیست. پیامبران به عنوان پیام‌آوران از جانب خداوند عهد می‌آیند و آنها با آنچه موسی گفته است بسیار آشنا هستند.

در واقع، آنها در سخنرانی‌های داوری خود، مردم را به نقض قانون متهم خواهند کرد. محققانی هستند که سخنرانی‌های داوری پیامبران را با تثنیه و شریعت مرتبط دانسته‌اند و می‌توانید این ارتباط را ببینید. همچنین وقتی صحبت از داوری می‌شود، پیامبران، وقتی انواع مختلف داوری را بر مردم اعلام می‌کنند، مانند خشکسالی، قحطی، از دست دادن فرزندان و در نهایت تبعید، از چیزی که ما آن را نفرین‌های عهد می‌نامیم، یعنی داوری‌های تهدید شده که در لاویان ۲۶ و همچنین تثنیه ۲۸ آمده است، استفاده می‌کنند.

و اگر به تثنیه ۲۸ آیات ۲۳ و ۲۴ بروید، الان وقت نداریم که این کار را انجام دهیم، اما می‌توانید به تثنیه ۲۴ بروید، خواهید دید که خشکسالی نشانه‌ای است مبنی بر اینکه شما تحت لعنت هستید، که ۲۳، ۲۸ داوری خدا بر شما نازل می‌شود. و بنابراین، آنچه ما اینجا در عاموس می‌بینیم، عاموس اعلام می‌کند که مردم قانون خدا را زیر پا گذاشته‌اند و قرار است لعنت‌های عهدی را که موسی تهدید کرده بود، تجربه کنند. بنابراین آن دو آیه اول بسیار بسیار مهم هستند.

در طرح کلی من از عاموس، این بخش بعدی را که ما در حال شروع آن هستیم، به عنوان یک پیامبر که مخاطبان خود را به دام می‌اندازد، نامگذاری می‌کنم و این بخش در واقع با آیه ۳، فصل ۱، آیه ۳ آغاز می‌شود. پس از عنوان و جمله اولیه، شیری از اورشلیم غرش می‌کند، او از صهیون غرش می‌کند و تمام جهان در نتیجه آن پژمرده خواهد شد. اکنون او به داورهای خاصی بر ملتهای خاص می‌پردازد. بنابراین من این بخش بعدی را به عنوان بیگانگانی که به طور کامل در دود فرو می‌روند، فصل ۱، آیات ۳ تا ۱۰، شرح داده‌ام.

منظورم از اینکه بیگانگان کاملاً بیگانه اینجا در قالب خویشاوندان دور دود می‌شوند، فصل ۱ آیه ۱۱ تا فصل آیه ۳ را توضیح خواهم داد. و سپس یک برادر دود می‌شود، فصل ۲، آیات ۴ و ۵. و در نهایت در فصل ۲ آیات ۶ تا ۱۶، روی هدف اصلی تمرکز می‌کنیم. بنابراین، بیایید ابتدا به جنگل، تصویر کلی از آنچه در ۲ اینجا اتفاق می‌افتد، نگاهی بیندازیم و سپس به هر یک از این پیشگویی‌های دآوری با جزئیات بیشتری خواهیم پرداخت، زیرا بسیار جذاب هستند. و بنابراین، بیایید در مورد این موضوع فکر کنیم.

ما باید کمی در مورد پیشینه بدانیم. ما این را در فصل ۵ کتاب عاموس کشف می‌کنیم، اما مهم است که هنگام شروع خواندن کتاب بدانید. مردم پادشاهی شمالی، اسرائیل، و به یاد داشته باشید که این گروه هدف اصلی عاموس هستند.

او از یهودا به پادشاهی شمالی سفر کرده است، و آنجاست که با مقامات آنجا و پادشاه دچار مشکل خواهد شد. اما مردم پادشاهی شمالی در زمان پادشاه خود رفاه و آسایشی را تجربه کرده بودند، و یونس در واقع این را در کتاب دوم پادشاهان پیشگویی کرده بود. شما نمی‌دانستید که یونس در جای دیگری از عهد عتیق ذکر شده است.

او در دوم پادشاهان ۱۴ و یربعام دوم است، و اسرائیل تا حدودی رفاه را تجربه کرده بود. و آنها منتظر رسیدن قریب الوقوع چیزی بودند که آن را روز خداوند می‌نامیدند. روز خداوند چیست؟ ما معمولاً روز خداوند را یکشنبه در هنگام عبادت در نظر می‌گیریم.

این چیزی نیست که در عهد عتیق آمده است. روز خداوند در واقع یک اصطلاح است. فکر می‌کنم محققى به نام داگلاس استوارت، این را به خوبی در مطالعه‌ای که ۵۰ سال پیش انجام داد، اثبات کرد.

ریشه در خاور نزدیک باستان دارد، جایی که یک پادشاه جنگجوی قدرتمند روزگار خوشی را سپری می‌کرد. او درباره روزگارش صحبت می‌کرد، و روزگار او زمانی بود که به عنوان یک جنگجو می‌آمد و دشمن را به سرعت و قاطعانه شکست می‌داد، شاید حتی در یک روز، که می‌توانست در این زمینه، روشی که آنها در نبردها می‌جنگیدند، انجام شود. شما ملاقات می‌کنید، می‌جنگید، و همه چیز می‌تواند در یک روز تمام شود.

اما او در یک روز به کل یک لشکرکشی پایان می‌دهد. عهد عتیق از این تصویرسازی استفاده می‌کند و درباره روز خداوند صحبت می‌کند. بنابراین اگر بررسی کنید که در کجای عهد عتیق از آن استفاده شده است، روز خداوند می‌تواند هر زمانی باشد و گاهی اوقات به وقایع تاریخی که قبلاً رخ داده‌اند اشاره دارد.

گاهی اوقات، چیزی است که ما آن را آخرالزمانی می‌نامیم. نوعی حرکت در جهت آخرالزمانی است. درباره روز خداوند که به اوج خود می‌رسد صحبت می‌کند، و این چیزی است که ما معمولاً وقتی در عهد جدید درباره آن می‌خوانیم به آن فکر می‌کنیم.

این روز، روز اوج خداوند است و اغلب روزهای تاریخی خداوند، از روز اوج خداوند خبر می‌دهند. اما آنها منتظر روز خداوند هستند. برای آنها، این بدان معناست که خداوند قرار است از طرف ما مداخله کند و او قرار است همه دشمنان ما را شکست دهد.

ما دشمنانی داریم ، و خداوند قرار است در میدان نبرد به ما پیروزی بدهد .او قرار است به ما امنیت بدهد .بنابراین روز خداوند فرا می‌رسد، و این روز، روز روشنایی خواهد بود.

این روز، روز نجات و حیات تازه خواهد بود .این چیزی بود که آنها انتظار داشتند و این موضوع در فصل ۵ آشکار می‌شود .وقتی به آنجا برسیم، کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد .آنها انتظار روزی باشکوه را داشتند که خداوند ملت‌های اطراف را شکست دهد، و بنابراین عاموس طوری شروع می‌کند که انگار پیامی به پادشاهی شمالی می‌دهد .

خب، به این فکر کنید .او به پادشاهی شمالی می‌رسد، و فرض کنیم که این اولین پیامی است که او می‌رساند .آنها قرار است هورا بکشند .

آنها تشویق خواهند کرد زیرا او با داوری علیه بیگانگان آشکار شروع می‌کند .او درباره داوری‌ای صحبت می‌کند که بر سر آرامی‌ها، که امروزه ما آن را سوریه می‌نامیم، در شمال شرقی پادشاهی شمالی، خواهد آمد .و اگر تاریخ خود را از خواندن کتاب پادشاهان به یاد بیاورید، آرامی‌ها و بنی‌اسرائیل نبردهایی داشته‌اند و اکثراً دشمن یکدیگر بوده‌اند .

و بنابراین آرامی‌ها شکست خواهند خورد و توسط خدا داوری خواهند شد .و سپس فلسطینی‌ها .هیچ کس فلسطینی‌ها را دوست ندارد، و آنها در گوشه جنوب غربی در مرز پادشاهی شمالی هستند .

آنها قرار است داوری شوند، و او از چهار شهر از پنج شهر اصلی آنها به عنوان شهرهایی که تحت داوری خدا قرار می‌گیرند، نام می‌برد .و خب، در مورد فنیقی‌ها در مرز شمال غربی پادشاهی شمالی چطور؟ آنها قرار است داوری شوند .بنابراین اینها کاملاً خارجی هستند .

بنابراین عاموس از آنجا شروع می‌کند .خداوند قرار است این ملت‌ها را داوری کند، و دلیل آن را بیان می‌کند . و ما قصد داریم هر پیشگویی را در اینجا به تفصیل بررسی کنیم .

سپس او به سراغ چیزی می‌رود که من آن را خویشاوندان دور می‌نامم .او از اردن عبور می‌کند و به آن سوی دریای مرده در آنجا می‌رود و درباره ادومی‌ها صحبت می‌کند .در این مرحله، ادومی‌ها در واقع به دشمنان قسم‌خورده یهودا و اسرائیل تبدیل شده‌اند .

این به آن معنا نیست که آنها گاهی اوقات اتحادهایی نداشتند، اما ادومی‌ها دشمن هستند .و به یاد داشته باشید، ادومی‌ها در جنوب، جنوب شرقی دریای مرده، بسیار دور از اسرائیل، اما بسیار نزدیک به یهودا هستند :عمونیان و موآبیان .

،عمونیان در آن سوی اردن هستند، و موآبیان نیز همینطور .در واقع، آنها در شرق دریای مرده هستند .پس به یاد داشته باشید که ادومیان چه کسانی بودند .

آنها از نوادگان ادوم یا عیسو هستند .بنابراین عیسو جد آنهاست و جالب اینجاست که یعقوب و عیسو پس از آشتی در طول زندگی خود، با هم کنار آمدند .اما با گذشت زمان، ادوم به دشمن قوم خدا تبدیل شد .

و بنابراین داوری بر سر ادومی‌ها در حال آمدن است، و شما انتظار آن را دارید .و همچنین عمونیان و موآبیان، آنها که بودند؟ نوادگان لوط .به یاد دارید وقتی لوط از سدوم فرار کرد، دخترانش نگران تداوم نسل

او بودند، و بنابراین او مست بود، و در یک مستی، آنها با پدر خودشان رابطه برقرار کردند، و ببینید اینگونه بود که عمونیان و موآبیان به وجود آمدند.

آنها از یک رابطه نامشروع بیرون آمدند. با این وجود، آنها خویشاوندان دوری هستند و خداوند به همه این اقوام احترام گذاشت. او به موسی گفت که وقتی قوم به سرزمین آنها آمدند، آنها را فتح نکند.

اما آنها قرار است در این قضاوت دخیل باشند. بنابراین، اگر من این را می‌شنوم، دارم می‌بینم که چه اتفاقی دارد می‌افتد. خب، ما با خارجی‌های کاملاً نزدیک به خودمان شروع کردیم.

این داوری شامل حال ادومیان، عمونیان و موآبیان خواهد شد که عمدتاً در شرق و جنوب ما هستند. و سپس، در رتبه هفتم این فهرست، یهودا در جنوب قرار دارد. و ممکن است فکر کنید، خب، مگر اسرائیل و یهودا با هم کنار نمی‌آمدند؟ نه واقعاً.

تنش و گاهی جنگ بین این دو وجود داشت، بنابراین مردم شمال، جنوبی‌ها، یعنی مردم یهودا را دوست نداشتند. و این یارو عاموس اهل یهودا است، اما یهودا قرار است داوری شود. اهمیت اینکه یهودا در فهرست شماره هفت است، مهم است، زیرا اغلب در کتاب مقدس آمده است. ضمناً، در سراسر جهان باستان خاور نزدیک، این اصطلاحی است که در سراسر فرهنگ، فرهنگ گسترده‌تر، می‌بینید. عدد هفت نشان دهنده کامل بودن، گاهی کمال است، بنابراین اگر در حال ساختن مجموعه‌ای از پیشگویی‌های داوری علیه ملت‌ها هستید، و به عدد هفت می‌رسید، با خود فکر خواهید کرد که این اوج داوری است.

همین. خدا قرار است این ملت‌های دیگر را داوری کند، و او به یهودا نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، و قرار است آنها را داوری کند. آنها آخرین خواهند بود.

اما بعد، با یک غافلگیری تکان‌دهنده مواجه می‌شویم، زیرا یک پیشگوی هشتم وجود دارد. یک پیشگوی هشتم وجود دارد. و گاهی اوقات در فرهنگ، از این فرمول استفاده می‌کنند، هفت، هورا، هشت.

یه جورایی ایکس، ایکس به علاوه‌ی یه چیز دیگه‌ست. هفت، نه، هشت. و خب، معلومه که اسرائیل، پادشاهی شمالی، قراره هدف داوری قرار بگیره.

بله، خدا قرار است همه آن ملت‌ها را مجازات کند. آنها گناه کرده‌اند و تاوان آن را خواهند داد، اما او قرار است آن داوری را بر اسرائیل، پادشاهی شمالی، نازل کند. و سپس عاموس در فصل ۵ می‌گوید، روز خداوند فرا می‌رسد، اما روز روشنائی نخواهد بود.

این روز، روز نور و نجات نخواهد بود. این روز، روز تاریکی و داوری خواهد بود که بر شما نازل می‌شود. به همین دلیل است که من در اینجا به پیامبری اشاره می‌کنم که مخاطبان‌ش را به دام می‌اندازد.

او از یک ابزار بلاغی استفاده می‌کند، توجه آنها را جلب می‌کند، و سپس یک پیچش داستانی بزرگ در کاری که انجام می‌دهد وجود دارد، همانطور که می‌گوید، نه، من اینجا هستم تا به شما بگویم، روز خداوند فرا می‌رسد، بله، اما شما، اسرائیل، هدف اصلی داوری خدا خواهید بود، و این او را به دردسر خواهد انداخت. بعد از اینکه به هر یک از پیشگویی‌ها نگاه کردیم، می‌خواهم در مورد تکنیک دیگری که عاموس استفاده می‌کند صحبت کنم. کمی ظریف‌تر است.

همانطور که پیش می‌روید، من به صورت استقرایی آن را بسط می‌دهم، همانطور که در مورد پیشگویی‌ها صحبت می‌کنیم، اما از همان ابتدا اشاره‌ای وجود دارد که این ملت‌ها هدف اصلی نیستند. اما بیابید عمیق‌تر

شویم و به اولین پیشگویی در فصل ۱، آیات ۳ تا ۵ نگاه کنیم. این پیشگویی علیه دمشق است که پایتخت پادشاهی آرامیان است. بنابراین، فصل ۱، آیه ۳، این چیزی است که خداوند می‌گوید، برای سه گناه دمشق، حتی برای چهار گناه، من توبه نخواهم کرد.

به علاوه یک با هفت و هشت صحبت X، X، حالا، دیدید که او همین الان چه کار کرد؟ ما در مورد این کردیم، اما شما می‌توانید این کار را با سه، چهار نیز انجام دهید، در واقع می‌توانید این کار را با هر عددی انجام دهید، اما این سه، چهار، برای سه گناه، بلکه، برای چهار، این الگو در فصل 30 کتاب امثال نشان داده شده است. گاهی اوقات از آنها به عنوان ضرب المثل‌های عددی یاد می‌شود، و در واقع یک کتاب کامل، یک تک نگاری کوچک، در مورد ضرب المثل‌های عددی در امثال نوشته شده است، و اگر آن ضرب المثل‌ها را مطالعه کنید، وقتی سه، چهار را می‌بینید، انتظار دارید لیستی از چهار چیز را ببینید، که دومی مربوط به عدد دوم است. من فکر می‌کنم دلیل اینکه آنها این کار را می‌کنند این است که عبری موازی مترادف را دوست دارد. با این حال، وقتی شما موازی مترادف را انجام می‌دهید، وقتی آن را می‌گویید و سپس دوباره آن را کمی متفاوت می‌گویید، انجام آن با اعداد کمی دشوار است، بنابراین آنها شروع می‌کنند، به پایین می‌روند، یکی پایین‌تر، و سپس عددی را که در واقع قرار است با آن در خط دوم کار کنند به شما می‌دهند، و بنابراین برای سه چیز یا چهار چیز. این لیست مربوط به عدد دوم است، این همان چیزی است که شما انتظار دارید ببینید، و احتمالاً آن عدد چهارم است که مورد تأکید قرار گرفته، نکته اصلی همین است.

بنابراین او در اینجا می‌گوید، برای سه گناه دمشق، نه، بیا بید آن را چهار کنیم، من کوتاه نمی‌آیم، و بنابراین انتظار داریم فهرستی از چهار گناه را ببینیم، اما قبل از اینکه در مورد ساختار اینجا صحبت کنیم، باید در ترجمه شده است صحبت کنیم. زبان عبری کلمات مختلفی دارد که می‌توانند به عنوان sins مورد کلمه‌ای که است و در Pesha و از این قبیل چیزها ترجمه شوند. این کلمه خاص sin، iniquity، transgression اگر آن را مطالعه کنید، همیشه برای گناه علیه خدا استفاده، Pesha. اینجا به صورت جمع استفاده می‌شود نمی‌شود. گاهی اوقات برای شورش یک ملت مطیع علیه اربابشان استفاده می‌شود. شما این را در پادشاهان می‌بینید.

بنابراین در واقع به گناه به عنوان شورش نگاه می‌شود، شورش علیه اقتدار است. بنابراین، وقتی گناه به عنوان پشا توصیف می‌شود، در واقع از گناه به عنوان شورش علیه اقتدار خدا صحبت می‌شود، بنابراین تلویحاً در آن این است که خدا بر این ملت‌ها اقتدار دارد، و البته، بلکه، او تمام جهان را آفریده است. ما می‌دانیم که ملت‌ها چگونه در پیدایش به وجود آمدند، و بلکه، او بر آنها اقتدار دارد. با این حال، آنها خدای اسرائیل را به عنوان اقتدار خود نمی‌شناختند، آنها خدایان خود را داشتند، خدایان حامی خود را داشتند، کموش در موآب، به عنوان مثال، میلکوم در آمون، و بنابراین آنها خداوند را به عنوان اقتدار خود نمی‌شناختند، اما از دیدگاه خداوند و دیدگاه عاموس، خداوند خدای آنهاست و او بر آنها اقتدار دارد. بنابراین، بحث‌های زیادی در مورد پیشینه اینجا، آنچه پیامبر به آن فکر می‌کند، وجود داشته است و من متقاعد شده‌ام که خداوند از طریق فرمان نوح بر ملت‌ها اقتدار دارد. به یاد داشته باشید که در پیدایش ۹، خداوند به نوح می‌گوید، من نمی‌خواهم شما یکدیگر را بکشید.

می‌دانید، بارور باشید و تکثیر شوید. فرمان آفرینش مبنی بر بارور بودن، تکثیر شدن و پر کردن زمین، برای نوح تکرار شده است، و بنابراین، همه نوادگان نوح، همه این افراد، همه ما از آدم از طریق نوح و سپس پسرانش می‌آییم، و بنابراین خداوند قول می‌دهد که دیگر زمین را به روشی که از طریق سیل انجام داد، نابود نخواهد کرد. با این حال، الزامی بر نوادگان نوح و نوادگانش وجود دارد که قرار است به تصویر خدا در همونوع خود احترام بگذارید، و اگر این کار را نکنید، زندگی خود را از دست می‌دهید. این همان مبنای مجازات اعدام است.

این به شریعت عهد عتیق بر نمی گردد ، بلکه به نوح برمی گردد . و سپس در اشعیا ۲۴ ، خداوند در حال داوری ، بر تمام زمین است و در مورد چگونگی شکستن بریت اولام ، که یک پیمان یا عهد ابدی یا پایدار است صحبت می کند . بنابراین ، اشعیا در اینجا درباره چه چیزی صحبت می کند؟ به نظر من او در مورد فرمان نوح به عنوان یک رابطه عهدی صحبت می کند .

بنابراین ، خداوند از ملت ها انتظار دارد که به آنچه به نوح گفته بود عمل کنند . من می خواهم شما بارور و تکثیر شوید ، نمی خواهم یکدیگر را بکشید . و ملت ها از فرمان عدم قتل هم نوع خود در مقیاس ملی یا گسترده سرپیچی می کنند ، و بنابراین فکر می کنم این همان چیزی است که در پس زمینه اینجا وجود دارد .

قرار نیست همه با این موافق باشند . افرادی به تفسیر من اعتراض کرده اند چون این را نوشته ام ، اما من پای آن می ایستم . من معمولاً سعی می کنم قبل از نوشتن ، خیلی خیلی با دقت در مورد مسائل فکر کنم ، اما نظرم عوض می شود ، اما در این مورد قانع نشده ام که نظرم را عوض کنم .

بنابراین ، من فکر می کنم پس زمینه ، فرمان نوح است ، و همانطور که این پیشگویی ها را مرور می کنیم ، خواهیم دید که هر یک از این ملت ها ، فرمان نوح مبنی بر احترام به تصویر خدا در هم نوع خود را زیر پا گذاشتند . آنها این فرمان را ، حداقل در اصل ، گاهی اوقات مستقیماً ، گاهی اوقات در اصل ، زیر پا گذاشتند و من فکر می کنم این دلیل اصلی است که فکر می کنم فرمان نوح در پس زمینه قرار دارد . حالا وقتی به یهودا و اسرائیل می رسم ، آنها شریعت موسی را زیر پا گذاشته اند ، اما این اقتداری است که آنها تحت آن هستند .

آن را به صورت «او» ترجمه می کند ، در NIV اما به هر حال ، بیایید شروع کنیم . خب ، سه یا چهار . چون ، واقع در زبان عبری همان «آنها» است ، چون آنها گیلعاد را با سورتمه هایی که دندانه های آهنی داشتند ، کوبیدند و تمام .

فقط یک اتهام وجود دارد . یک قضاوت وجود دارد . و به همین دلیل ، من آتشی را بر خاندان حزائیل خواهم فرستاد که قلعه های بنهد را خواهد سوزاند .

من دروازه دمشق را خواهم شکست . من پادشاهی را که در دره عدن است و کسی را که عصای سلطنت را در بیت عدن در دست دارد ، نابود خواهم کرد . ما در اینجا در مورد معنای همه این نام ها صحبت خواهیم کرد .

خداوند می گوید مردم آرام به اینجا تبعید خواهند شد . و این پایان آن پیشگویی است . و سپس ما به سراغ فلسطینیان خواهیم رفت .

خب ، بیایید کمی این را باز کنیم . فقط یک جرم وجود دارد . خب ، اگر من به این گوش می دهم ، می گویم . وای ، به نظر می رسد که او دارد همه چیز را ساده می کند .

چرا باید این کار را بکند؟ خب ، شاید آرام دغدغه اصلی اش نباشد . دارد علامت می دهد که نه ، من می خواهم اوضاع را ساده تر کنم چون حرف های مهمتری دارم که همین جا به کس دیگری بزنم . فقط یک جرم

جلعاد را با سورتمه هایی که دندانه های آهنی داشتند ، کوبیدند . این یک تصویر کشاورزی است . وقتی غلات را درو می کردید ، آن را به خرمنگاه می بردید و از سورتمه ای که میخ های تیزی در کف آن داشت ، استفاده می کردند .

و حیوانات آن را به خرمنگاه می‌بردند و پوسته‌ها را از دانه جدا می‌کردند. این بخشی از فرآیند برداشت بود. به نوعی، آنها این کار را با مردمی که در جلعاد زندگی می‌کردند، انجام می‌دادند.

حالا، می‌توانید استدلال کنید که این به معنای واقعی کلمه است، زیرا جدعون این کار را با دشمنانش در فصل ۸ کتاب داوران انجام داد، اما من فکر می‌کنم این زبان استعاری است. این شعر نبوی است و فکر می‌کنم به رفتار ظالمانه با مردمی که در جلعاد زندگی می‌کردند اشاره دارد، که احتمالاً بنی‌اسرائیل بودند جمعیت بنی‌اسرائیلی که در سمت شرق اردن زندگی می‌کردند، و آنها وارد شدند، و آنها، به اصطلاح، آنها را با سورت‌های با دندان‌های آهنین کوبیدند.

فکر می‌کنم این به رفتار بی‌رحمانه در جنگ اشاره دارد، و جنگ در این فرهنگ و این زمان وحشتناک بود. و بنابراین، آنها وارد شدند، و به نظر من، این در اصل نقض فرمان نوح است. وقتی کاری با کسی انجام می‌دهید که قابل مقایسه با کوبیدن او با سورت‌های با دندان‌های آهنین است، اصل احترام به تصویر خدا در هم‌نوعان خود را نقض کرده‌اید.

و بنابراین، خداوند می‌گوید، من آتشی بر خاندان حزائیل خواهم فرستاد. حزائیل پادشاه آرامی بود و قلعه‌های بنهدد را ویران می‌کرد. حزائیل با کشتن بنهدد پادشاه شد و سپس پسر خودش بنهدد نام گرفت.

بنابراین، اینها نام‌های سلطنتی هستند که آرامی‌ها از آنها استفاده می‌کردند. و بنابراین، خداوند آتش خواهد فرستاد. به آتش فکر کنید.

فکر می‌کنم حتی امروز، همانطور که اخیراً در تگزاس کشف کردیم، همراه با آب است که سیل می‌آید. این یکی از مخرب‌ترین پدیده‌های طبیعت است. و بنابراین، خداوند آتش، ابزار مخرب نهایی، را بر سر خاندان حزائیل خواهد فرستاد.

به عبارت دیگر، او قصد دارد به پادشاهی آرامیان حمله کند، و از بالا با پادشاه و رهبری شروع خواهد کرد او قصد دارد دروازه دمشق را بشکند. دمشق شهر اصلی آنها است و دروازه شهر بخشی از سیستم دفاعی آنهاست.

و بنابراین، وقتی خداوند می‌گوید، من دروازه را می‌شکنم، این شهر را برای تهاجم باز می‌گذارد. من پادشاهی را که در دره بیت آوین است نابود خواهم کرد. این مورد بحث است.

خواهید دید که در ترجمه به طور متفاوتی به آن پرداخته شده است، زیرا کلمه بکا در اینجا برای دره استفاده شده است. برخی سعی می‌کنند آن را با دره بکا که در لبنان است مرتبط کنند، اما آوین به معنای شرارت است. و بنابراین، فکر می‌کنم در برخی ترجمه‌ها خواهید دید که می‌گویند، پادشاهی که در دره شرارت است.

و بنابراین، دره‌ای که آرامی‌ها اشغال کرده‌اند، دره‌ای است که با شرارت مشخص می‌شود. و ضمناً، به همین دلیل است که هرگز نباید نام کلیسای خود را بٹ آوین بگذارید. کلیسای کتاب مقدس بٹ آوین، خانه شرارت.

نه، این کار را نکن. در انگلیسی قشنگ به نظر می‌رسد، اما این کار را نکن. پس، من پادشاهی را که در دره آوین، دره شرارت، و کسی را که عصای سلطنت را در بیت عدن در دست دارد، نابود خواهم کرد.

برخی از محققان این را با یک گروه آرامی به نام بیت آدینی مرتبط می‌دانند، مکانی که در زبان اکدی بیت آدینی نامیده می‌شود و در فاصله بسیار دوری از دمشق قرار دارد، اما منطقه‌ای آرامی بوده است. بنابراین، برخی

می‌گویند که این به طور خاص به آن اشاره دارد، برخی دیگر می‌گویند، نه، عدن در اینجا به معنای دلپذیری است. و بنابراین، خانه دلپذیری، طعنه‌آمیز است.

کسی که عصای سلطنت را در دست دارد، نماد فرمانروایی در خانه‌ی خوشی، شاید خانه‌ی رفاه، ایده‌ی اصلی باشد. خب، متاسفم، اما خداوند قرار است آن فرد را نابود کند. و مردم ارام به قیر تبعید خواهند شد، خداوند می‌گوید.

ما مطمئن نیستیم که کیر کجاست، اما آنچه می‌دانیم این است که بعداً در عاموس، خداوند در فصل ۹ به این واقعیت اشاره می‌کند که او بر همه مردم حاکم است و او کسی بود که در وهله اول آرامی‌ها را از مکانی به نام کیر آورد. بنابراین، آنها در کیر ریشه داشتند و سپس به جایی که در این برهه از زمان بودند مهاجرت کردند. و بنابراین، اگر دو آیه را کنار هم بگذارید، آنچه خداوند می‌گوید این است که شما به کیر تبعید خواهید شد، کل تاریخ شما وارونه خواهد شد.

شما به جایی که شروع کردید برمی‌گردید. و بنابراین، ما برخی از این نکات ظریف را در زبان انگلیسی متوجه نمی‌شویم، اما دانستن پیشینه و همچنین نگاه کردن به سایر بخش‌های کتاب مهم است. به همین دلیل است که من همیشه می‌گویم، شما یک کتاب مقدس را یک بار می‌خوانید و سولاتی دارید، و سپس برمی‌گردید و آن را برای بار دوم می‌خوانید، حالا که کل داستان را دیده‌اید، و بسیاری از جزئیات بار دوم زمانی که تصویر کامل را دارید، منطقی به نظر می‌رسند.

بنابراین، این پیشگویی علیه آرامی‌ها است. داوری سختی بر آرامی‌ها نازل خواهد شد. مردم اسرائیل در این لحظه هورا خواهند کشید.

حالا، این چیزی است که خداوند در مورد سه گناه غزه می‌گوید، اما این موضوع امروز در اخبار است. غزه، یک شهر فلسطینی است. حتی برای چهار گناه، من کوتاه نخواهم آمد.

و فکر می‌کنم وقتی می‌گوید، من کوتاه نمی‌آییم، عبری کمی دشوار است، اما فکر می‌کنم منظور این است که من حکم داوری خود را پس نمی‌گیرم، یا از خشم خود کوتاه نمی‌آییم. این دو گزینه‌ای است که برای این جمله داده شده است. بنابراین، خداوند می‌گوید سه گناه، چهار گناه.

در حال حاضر انتظار یک لیست چهار قسمتی را دارم. چون او تمام جوامع را به اسارت گرفت و به اودوم فروخت. بنابراین، آدم‌ربایی و تجارت برده.

هوم، بد، بد، اما همین است. من آتشی بر دیوارهای غزه خواهم فرستاد که قلعه‌هایش را خواهد سوزاند. من پادشاه اشدود و کسی را که عصای سلطنت را در اشقلون در دست دارد، نابود خواهم کرد.

«خداوند متعال می‌گوید»: من دست خود را علیه اکرون دراز خواهم کرد تا آخرین فلسطینیان کشته شوند پس توجه کنید که از چهار شهر از پنج شهر اصلی فلسطینیان در آنجا نام برده شده است. در مورد جت چطور؟ در فصل ۶ آمده است. بنابراین، خداوند از جت آگاه است.

اما در اینجا، او از این چهار نفر نام می‌برد زیرا آنها توسط اربابان اداره می‌شدند و اساساً یک کنفدراسیون داشتند. و بنابراین، اما می‌توانید به کل منطقه به عنوان فلسطین اشاره کنید، و خداوند قرار است فلسطینیان را داوری کند. و شما به آن داوری نگاه می‌کنید، آدم‌ربایی مردم و فروش آنها به عنوان برده.

خب، شما لزوماً آنها را به قتل نمی‌رسانید، اگرچه برخی در چنین سناریویی به قتل می‌رسند. اما قطعاً به تصویر خدا در هم‌نوعان خود بی‌احترامی می‌کنید. و ضمناً، منظورم این است که من دانشجوی تاریخ و روزنامه‌نگاری در دانشگاه سیراکیوز بودم.

و بنابراین، من کلاس‌های تاریخ را گذراندم که در مورد دوره قبل از جنگ داخلی آمریکا بود. و ما ملزم به خواندن منابع اولیه بودیم. و بنابراین، ما استدلال‌های طرفداران لغو برده‌داری را می‌خواندیم، و اظهاراتی را که در جنوب توسط برده‌داران استفاده می‌شد، می‌خواندیم.

و آنها اغلب برای دفاع از نهاد برده‌داری به کتاب مقدس متوسل می‌شدند. اما این متن در عاموس برای لغو نوع برده‌داری که در آن زمان وجود داشت کافی است، زیرا آنها مردم را می‌دزدند و آنها را به عنوان برده می‌فروشند. خب، برده‌ها چگونه به اینجا رسیدند؟ مردم در آفریقا، اغلب قبایل دیگر، افراد دیگر را می‌دزدند. و سپس آنها را در ساحل و از طریق دریا می‌فروشند.

این فقط یک بحث حاشیه‌ای است. اما اگر تا به حال درگیر آن بحث شده‌اید، می‌دانید، به نوعی به عقب برمی‌گردید و به بحث فکر می‌کنید، و می‌بینید که صاحبان برده از این نهاد در برابر توسل به کتاب مقدس دفاع می‌کنند، بیا بیا این آیه را در آنجا بیاوریم. آدم‌ربایی و برده‌داری یک استاندارد است، همانطور که در فرمان نوح دیده می‌شود.

بنابراین، فلسطینی‌ها قرار است داوری شوند، و سپس به سراغ صور می‌رویم. صور شهری است که در شمال اسرائیل در امتداد ساحل، صور و صیدون، قرار دارد. این شهر محل سکونت فنیقی‌ها است، مردمی که ما آنها را به عنوان فنیقی‌ها می‌شناسیم، مردمانی دریانورد که تجارت زیادی از جمله با مصر انجام می‌دادند.

و بنابراین، فنیقی‌ها، من به خاطر سه گناه صور، حتی برای چهار گناه، کوتاه نخواهم آمد. از آنجا که او تمام جوامع اسیران را به ادوم فروخت، ظاهراً ادوم در کار خرید برده است - پس، همین است.

خود را خاموش کنم. بیا بیا این Outlook این، اوه، آدم‌ربایی و تجارت برده است. و صرف نظر از این، باید را کنار بگذاریم.

بخشید. همیشه قبل از شروع صحبت کردن، چیزی هست که فراموش می‌کنی انجام بدهی. بنابراین، او تمام جوامع اسیران را به ادوم فروخت.

یکی هست. نادیده گرفتن پیمان برادری. حالا، می‌توانید ببینید که این فقط یک جرم است، اما اینجا دو جنبه دارد.

بنابراین، اگر آنها را بشماریم، فرض کنیم دو تا باشد. بنابراین، تجارت برده، اما در انجام این تجارت برده آنها پیمان برادری را نادیده می‌گرفتند. در خاور نزدیک باستان، ملت‌ها گاهی اوقات پیمان‌های برابری داشتند.

و در یک پیمان برابری، پدر و پسر وجود ندارد، بلکه برادرها هستند. بنابراین، آنها برابرند. و ظاهراً آنها با کسی پیمان بسته بودند.

بعضی‌ها ممکن است بگویند، خب، شاید اسرائیل یا یهودا بوده، لازم نیست باشد. و آنها این پیمان را نقض کردند. آنها کل جوامعی را که در سرزمین‌های طرف پیمان خود زندگی می‌کردند، اسیر کردند و سپس آنها را به عنوان برده فروختند.

بنابراین، خداوند این را دوست ندارد. او دوست ندارد که معاهدات نقض شوند. و بنابراین، شاید دو جنایت، اما نه چهار جنایت.

من آتشی بر دیوارهای صور خواهم فرستاد که قلعه‌هایش را خواهد سوزاند. ما مطمئن نیستیم که این اتفاق چه زمانی رخ داده است. برخی دیگر از این پیشگویی‌ها را می‌دانیم که چه زمانی رخ داده‌اند.

آرامی‌ها، احتمالاً حدود ۱۵ سال پس از پیشگویی عاموس، توسط تیگلات-پیلسر، پادشاه آشور، شکست خوردند. ما این را می‌دانیم. فلسطینی‌ها توسط آشوری‌ها فتح شدند.

ما شواهد زیادی در این مورد داریم. صور؟ به نظر می‌رسد صور فرار کرده است. نبوکدنصر صور را تهدید کرد و او شهر را نابود نکرد، اما او ارباب و فرمانروای آنها شد.

تا مدت‌ها بعد در قرن چهارم واقعاً نابود نشد. اما طبق گفته خداوند، داوری بر صور نازل می‌شود. و سپس. او به سمت ادوم می‌رود.

به دلیل مشارکتشان در تجارت برده به شیوه‌ای که بودند، مجازات شدیدتری دریافت کند. قبلاً به آنها اشاره شده است.

بنابراین، خداوند چنین می‌گوید: به خاطر سه گناه ادوم، حتی چهار گناه، من پشیمان نخواهم شد. زیرا او برادرش را با شمشیر تعقیب کرد و زنان آن سرزمین را کشت، زیرا خشم او پیوسته شعله‌ور بود و غضبش بی‌وقفه شعله‌ور می‌گشت.

حالا، چهار جمله وجود دارد. بنابراین، و شما سعی می‌کنید این را بفهمید، بعضی‌ها می‌گویند، خب، شما فقط به طور رسمی تعداد جملات گفته شده را می‌شمارید. بنابراین چهار جمله وجود دارد.

خب، اگر این کار را اینجا انجام دهید، وقتی به اسرائیل برسید، حدود هفت یا هشت تا خواهید داشت. باید در نحوه شمارش خود ثابت قدم باشید. فکر می‌کنم اینجا فقط دو تا هستند.

او با شمشیر برادرش را تعقیب کرد و زنان آن سرزمین را قتل عام کرد. این خشونت نظامی است. اما دو بار تکرار این عبارت به صورت موازی، شاید برای تأکید باشد.

و چون خشم او پیوسته زیانه می‌کشید و غضبش مهار نشده شعله‌ور می‌شد. خب، این بخشی از آن بسته خشونت نظامی است. بنابراین، می‌توان گفت که این فقط یکی است با کمی تأکید بیشتر، اما من دو مورد را با کمی تأکید در مورد آن به شما می‌دهم.

اما فکر نمی‌کنم چهار جنایت متمایز مانند آنچه در اسرائیل رخ خواهد داد، وجود داشته باشد. احتمالاً شما از قبل پیش‌بینی کرده‌اید که این ماجرا به کجا ختم می‌شود. بنابراین، من آتشی بر تاملان خواهم فرستاد که قلعه‌های بصرح را خواهد سوزاند.

اینها مکان‌هایی در داخل اودوم هستند. بنابراین، خداوند آتش را بر آنها نازل خواهد کرد. به غلظت آتش توجه کنید.

بسیار خوب، مورد بعدی. این چیزی است که خداوند می‌گوید. برای سه گناه آمون، حتی برای چهار گناه، من توبه نخواهم کرد.

باز هم، من انتظار یک لیست چهار قسمتی را دارم. چون او شکم زنان باردار گیلیاد را پاره کرد تا مرزهای خود را گسترش دهد. گیلیاد بیچاره.

آنها واقعاً اینجا رنج می‌برند. آرامی‌ها، به اصطلاح، آنها را با سورت‌های که ته آن آهن بود، کوبیدند. و من فکر می‌کنم این به معنای واقعی کلمه است، زیرا ما در جاهای دیگر در جنگ‌های باستانی به این موضوع اشاره داریم.

او زنان باردار گیلیاد را تکه تکه کرد. اگر ما زنان باردار را تکه تکه می‌کنیم و نوزادان را می‌کشیم، دیگران چه امیدی دارند؟ به نظر می‌رسد خشونت و قتل عام گسترده و چیزی در مرز نسل‌کشی. و او همه این کارها را برای گسترش مرزهای خود انجام داد.

خب، شاید بشود گفت خشونت و طمع و از آن دو جنایت بیرون کشید، اما همه اینها بخشی از بسته خشونت نظامی است. بنابراین، برای من، فقط یکی است. من دیوارهای رابا را که شهری بزرگ در آمون است، به آتش خواهم کشید، شهری که دژهایش را در میان فریادهای جنگ در روز نبرد، در میان بادهای سهمگین در روزی طوفانی، خواهد سوزاند.

خداوند می‌آید، و فریادهای جنگ و بادهای سهمگین خواهد بود، که نمادی از داوری الهی است که در عهد عتیق می‌بینیم. آنها به سزای اعمالشان خواهند رسید. شما زنان باردار را می‌درید و جنگ به سمت شما خواهد آمد، و شما قربانی خواهید شد.

و ما به طور قطع نمی‌دانیم، اما این احتمالاً همزمان با تهاجم آشوریان، و شاید هم بعداً با تهاجم بابلی‌ها، رخ داده است. ما می‌دانیم که آشوریان این منطقه را فتح کردند. و خداوند می‌گوید پادشاه او به همراه تمام درباریان به تبعید خواهند رفت.

بنابراین، عمونیان قرار است داوری شوند، اما ما هنوز به دنبال یک فهرست چهارگانه هستیم. این چیزی است که خداوند می‌گوید. اکنون در فصل ۲، آیه ۱ هستیم. همه چیز به هم مرتبط است.

من فکر می‌کنم تقسیم‌بندی باب‌ها در این مورد تأسف بار است. تقسیم‌بندی باب‌ها خیلی دیرتر انجام شد. این چیزی است که خداوند می‌گوید.

برای سه گناه موآب، حتی برای چهار گناه، من کوتاه نمی‌آیم. اینجا مثل طبل زدن مداوم است. هر پیشگویی به یک شکل شروع می‌شود.

او چه کار اشتباهی انجام داد؟ چون استخوان‌های پادشاه اودوم را سوزاند و به خاکستر تبدیل کرد. بنابراین ظاهراً موآبی‌ها اودوم‌ها را فتح کرده بودند، و فکر نمی‌کنم به این موضوع اشاره شده باشد... فکر می‌کنم این بی‌احترامی به مقبره‌ها است که اینجا اتفاق می‌افتد. همانطور که در آشوری‌ها می‌بینیم، گاهی اوقات قربانیان مغلوب خود را مجبور می‌کردند استخوان‌های اجدادشان را بسوزانند.

دفن است در این فرهنگ واقعاً مهم است. مهم است که مراسم تدفین مناسبی داشته باشید، و هتک حرمت مقبره یکی از بدترین کارهایی است که می‌توانید انجام دهید. این بی‌احترامی کامل به تصویر خدا در وجود هموعانتان است.

بی‌احترامی محض. در واقع، ما کتیبه‌های مقبره داریم. برخی از آنها از منطقه فنیقیه هستند که در آنها کتیبه‌ای روی مقبره کسی قرار می‌گیرد و اساساً هر کسی را که به آن مقبره تجاوز کند، نفرین می‌کند.

جرأت نکن به مقبره من دست بزنی. اینجا فلان و فلان آرمیده است. جرأت نکن به این مقبره دست بزنی، چون خدایان تو را دستگیر خواهند کرد.

بنابراین یک نفرین به این نوع چیزها متصل است. این کاری است که موآبی‌ها انجام می‌دهند. امیدوارم تا اینجا متوجه شده باشید.

بی‌احترامی به تصویر خدا در وجود هموعان وجود دارد، و من فکر می‌کنم به همین دلیل است که آنها علیه خدا شورش کرده‌اند. آنها فرمان نوح را نقض کردند، و ممکن است فکر کنید، آنها اصلاً از کجا از این موضوع مطلع بودند؟ چهل در مورد خدا بهانه‌ای نیست. او از مردم انتظار دارد که حقیقت او را جاودانه کنند.

من آتشی بر موآب خواهم فرستاد که قلعه‌ی کیرپوط را خواهد سوزاند. موآب در میان فریادهای جنگ و صدای شیپور، با غوغای عظیم فرو خواهد رفت. خداوند می‌گوید: من حاکمش را نابود خواهم کرد و تمام دربارانش را با او خواهم کشت.

خب، ما سه نفر کاملاً خارجی، سه نفر از اقوام دور، و حالا به برادر یهودا در جنوب می‌رسیم. و ضمناً، این خیلی غم‌انگیز است، چون یادتان باشد، خانواده در روزگار یوسف، زمانی که یعقوب زنده بود، بسیار از هم پاشیده بود، و برادران از یوسف متنفر بودند. آنها از او متنفر بودند، و سعی کردند او را بکشند، و او را به عنوان برده با خود بردند، اما در نهایت دوباره دور هم جمع شدند.

و یهودا، که به نوعی سردسته نقشه قتل یوسف و سپس فروش او به بردگی بود، یادتان هست وقتی یوسف برادرانش را آزمایش می‌کرد چه کرد، و گفت: «می‌خواهم کوچکترین برادرتان، بنیامین، برادر خونی یوسف، از همان مادر، را که گفتید پیش من بیاورید.» و اساساً، آنها این کار را کردند، و بعد یوسف تهدید کرد، یادتان هست که او یک دزدی ترتیب داد، طوری وانمود کرد که بنیامین چیزی دزدیده است، و گفت: «این بچه را «زندانی می‌کنم. او اینجا پیش من می‌ماند».

و یهودا جلو می‌آید و می‌گوید، نه، نه. و کاری که او می‌کند شگفت‌انگیز است، زیرا نگرش او کاملاً تغییر کرده است. این پسر مورد علاقه جدید پدر است، بنیامین، زیرا یعقوب به دو پسر راحیل علاقه داشت، او این کار را کرد، و این باعث حسادت دیگران شد.

اما یهودا با این موضوع کنار آمده و می‌گوید نه، این پدرم را خواهد کشت. ما نمی‌توانیم، می‌دانید، در ذهن او، او با خودش فکر می‌کند، من نمی‌توانم او را دوباره در این شرایط قرار دهم. و بنابراین او حاضر است آینده‌اش را به خاطر بنیامین فدا کند.

و بنابراین خانواده متحد می‌شود، و این ایده‌آل و الگو است، و این در تاریخ اسرائیل بسیار غم‌انگیز است. نوادگان یعقوب، همانطور که اتفاق می‌افتد، و پادشاهی تجزیه می‌شود. این بسیار، بسیار غم‌انگیز است.

و بنابراین یهودا و اسرائیل اکنون متحد نیستند، و فکر می‌کنم وقتی این را بخوانند، هورا خواهند کشید. این خیلی از ایده‌آلی که در پیدایش می‌بینیم فاصله دارد، زیرا آنها شریعت خداوند را رد کرده‌اند و فرامین او را رعایت نکرده‌اند. فکر می‌کنم اکنون فراتر از فرمان نوح حرکت می‌کنیم و در مورد شریعت موسی صحبت می‌کنیم، که همان چیزی است که یهودا و اسرائیل مسئول آن هستند.

البته، «قتل مکن» بخش مهمی از شریعت موسی است. اما آنها شریعت خداوند را رد کرده‌اند و فرامین او را آن را خدایان دروغین می‌نامد، که NIV رعایت نکرده‌اند، زیرا توسط خدایان دروغین همراه شده‌اند، و ترجمه ممکن است کاملاً درست باشد، اما در متن فقط به عنوان دروغ‌هایشان، دروغ‌ها، به آنها اشاره شده است. گاهی اوقات از بت‌ها به عنوان دروغ یاد می‌شود.

آنها دروغین هستند. آنها خدایان دروغین هستند. و بنابراین ممکن است ایده اینجا کاملاً همین باشد، اما کمی تفسیری است، خدایان دروغین.

این می‌تواند پیشگویی‌های دروغین، دروغ‌های پیامبران آنها باشد، زیرا می‌دانیم که پیامبرانی بودند که مانند ارمیا خیلی دیرتر با آنها روبرو شدند، کسانی که پیام‌های دروغین امید می‌دادند، در حالی که در واقع، داوری داشت می‌آمد. بنابراین ما مطمئن نیستیم. اما بت‌پرستی منطقی است.

این یک راه اصلی برای رد کردن شریعت خداوند خواهد بود. و بنابراین، خداوند می‌گوید، من آتشی بر یهودا خواهم فرستاد که قلعه‌های اورشلیم را خواهد سوزاند. من هنوز چهار جنایت دیگر نمی‌بینم.

آنها شریعت را رد کرده‌اند، فرامین را رعایت نکرده‌اند. این فقط دو راه برای بیان یک چیز است. و چون آنها همراه شده‌اند، این به سادگی به من می‌گوید که چگونه شریعت خداوند را رد کرده‌اند.

فکر می‌کنم حداکثر چیزی که می‌توان از این [وضعیت] به دست آورد دو تا است. بنابراین، ما هنوز چهار تا نداشته‌ایم. و بنابراین شاید در این مرحله، اسرائیل فکر می‌کند، آه، او طناب را دور گردن آنها انداخته و حالا می‌خواهد آن را محکم‌تر بکشد.

دشمنان ما شکست خواهند خورد. این یک پیام فوق‌العاده است. این مقدمه‌ای برای فرا رسیدن روز خداوند است، روزی که قرار است روز نجات ما باشد، جایی که خداوند دشمنان ما را شکست می‌دهد و به ما امنیت می‌دهد و ما را در ادامه برکت می‌دهد.

و این به سادگی درست نیست. و بنابراین، فکر می‌کنم می‌توانیم بخش بعدی را شروع کنیم. یا می‌توانیم همین جا کمی استراحت کنیم.

فکر می‌کنم کمی استراحت کنیم.

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد کتاب عاموس است. عاموس، شیر غرش کرده است، چه کسی خواهد ترسید؟ جلسه ۱ الف، پیامبر مخاطبان خود را به دام می‌اندازد. عاموس ۱: ۱-۱۶: ۲.